

نقاش معروف جمهوری آذربایجان:
برای منظومه «حیدر بابایه سلام» استاد شهریار،
۱۲۵ تابلوی مینیاتوری کشیده‌ام





اشاره: فخرالدین علیزاده، نقاش معروف جمهوری آذربایجان در ۱۰ ماه می ۱۹۳۸ در شهرستان اهر در آبادی نوودی، روبروی اشتیبن در مفری ارمنستان، از محال زنگه زور بدنیا آمده است. تا کلاس هفتم در آبادی خودش درس خوانده است. چهار سال در انستیتو تکنیکوم در شهر اردو باد تحصیل کرده و با ابوالفضل ایلچی بیک نخستین رئیس جمهور آذربایجان، همکلاس بوده است. فخرالدین از کودکی به نقاشی علاقه داشت، برادر بزرگش حمزه ولی، که فوت نموده است هم شاعر بود و هم دانشمند، در سال ۱۹۴۵ پس از بازگشت از جبهه جنگ، او تعدادی مداد رنگی از درزدن برای فخرالدین هدیه می آورد. فخرالدین با این مدادهای رنگی، تعدادی تصاویر برای کتاب های شعر برادرش می کشد.

هنگامی که فخرالدین در مدرسه ابتدایی درس می خواند، در دفتر مشق خود نقاشی های رنگی کشیده بود. آموزگار از این کار او ناراحت، او را تنبیه کرده و نمره قبولی به او نداده بود. فخرالدین تکنیکوم را در سال ۱۹۵۶ به پایان رساند. او در سال ۱۹۵۸، پس از سه سال اشتغال در شغل آموزگاری در ایملی، وارد تکنیکوم نقاشی به نام «عظیم عظیم زاده» شد. وی در سال ۱۹۶۲ موفق شد که دوره تکنیکوم را به پایان رسانده و کارنامه دریافت کند. در همین سال وارد خدمت نظام وظیفه شده در سال ۱۹۶۴ آن را به پایان رساند. در زمان خدمت در ارتش شوروی در مرز شوروی با ترکیه، در آخال تسیخه گرجستان بود. پس از پایان خدمت در سال ۱۹۶۴، وارد انستیتوی هنرهای زیبا شده در رشته نقاشی ثبت نام می کند.

پس از ۵ سال تحصیل، در سال ۱۹۶۹ این دوره را با موفقیت به پایان رسانده و دیپلم افتخار دریافت می کند. در تمام دوره تحصیل جزو دانشجویان ممتاز بود. او می گوید: از سال ۱۹۵۹ در نمایشگاه های گروهی شرکت می کردم. در نمایشگاه های زیادی شرکت کرده ام. پس از به پایان رساندن انستیتو، تابلویی از بابک خرم دین کشیده بودم که مدال دوره شوروی را دریافت کردم که در بین دانشجویان ممتاز فارغ التحصیل دانشگاه های شوروی به من داده شد. با دریافت این مدال، بیشتر به نقاشی علاقه مند شدم و تشویق شدم که برای شرکت در نمایشگاه های بزرگتر، به ایجاد آثار بزرگتر و بهتر اقدام کنم. موضوع اغلب تابلوهای من درباره زندگی روستایی و طبیعت و انسان است. تعدادی از آثار معروف من «پس از درو»، «وبای غمگین»، «آق کردن»، «دختران شیردوش» مورد پسند مردم قرار گرفته است. برای ادبیات کلاسیک آذربایجان مینیاتورهای زیادی خلق کرده ام. برای نخستین بار که به کار خلق مینیاتور پرداختم درباره منظومه «حیدر بابا به سلام» استاد محمد حسن شهریار شاعر آذری بود. برای این اثر حدود ۱۲۵ تابلوی مینیاتوری کشیده ام. برای هر بند حیدر بابا یک مینیاتور، حدود ۳۰ اثر از مینیاتورهای حیدر بابا در موزه نظامی گنجوی در باکو نگهداری می شود.

استاد شما در کار مینیاتور هم خلاقیت و هم ذوق بیشتری داشته‌اید. علت این علاقه شما به

مینیاتور چه بوده است؟

«من به آثار ادبی شهریار به ویژه منظومه «حیدربابا» علاقه داشتم. من شهریار را جزو بزرگان علم و ادب تبریز می‌دانستم. سلطان محمد، آقامیرک، مظفرعلی، بهزاد، بزرگانی بوده‌اند که در تبریز زندگی و آثار خود را خلق کرده‌اند. آنها برای شاعران بزرگ، آثار نقاشی خلق کرده‌اند، من هم علاقه‌مند شدم برای اشعار حیدربابای شهریار مینیاتور خلق کنم.

می‌گویند شاه اسماعیل در جنگ چالدران آقامیرک و بهزاد را در غاری پنهان کرده بود، می‌ترسید که آنها بدست دشمن بیافتند و کشور از هنر آنها محروم گردد. پس از شکست در جنگ، وی دستور می‌دهد این هنرمندان را با احترام تمام از آن غار خارج و به تبریز بازگردانند.

من با خود اندیشیدم که اگر چه من در هنر نمی‌توانم به پای چنین بزرگانی برسم، باید از اصول دیگری پیروی کنم. من به مکاتب ایتالیا و کلاسیک علاقه‌مند شدم. اصول مکاتب کلاسیک ایتالیا و اروپا را در مکاتب شرقی ادغام کردم و مکتب جدیدی ایجاد کردم. برای نمونه، ابزارهایی که به صورت استیلیزه کرده بودم، با استفاده از پرسپکتیو، آثار جدیدی خلق کردم. با تغذیه معنوی از آنها من آثار خود را پدید آوردم.

استادان شما چه کسانی بوده‌اند؟

استادان من عبارت بودند از: طایر صلاح‌اف، نقاش خلق شوروی، آکادمیک، میکائیل عبدالله‌یف نقاش خلق اتحاد شوروی. هر کدام از این استادان ۲-۵ سال به من آموزش داده‌اند.

چه احساسی سبب شد که برای حیدربابا مینیاتور خلق کنید؟

احساس من برای خلق این آثار درباره اثر شهریار این بود که در هنگام کودکی در کنار رود ارس به روستاهای ایران نگاه می‌کردم. این نگاه حسرت‌آمیز در دل ما ریشه دوانده بود و در حسرت دیدار با آن سوی ارس بودیم. دولت‌های ما امکان دیدار ما را فراهم نمی‌کرد و دولت شوروی هرگز اجازه نمی‌داد که ما با آن سوی ارس، با مردم هم‌زبان و هم‌ریشه خود دیدار داشته باشیم. ما با این نوستالژی بزرگ شده بودیم. من که با این احساس بزرگ شده بودم با خود می‌گفتم که نخستین سفری که داشته باشم، دیدار از تبریز خواهد بود. من باید تبریز را ببینم.

در سال ۱۹۸۵ که برای نخستین بار به ایران رفتم و از شهر تبریز بازدید کردم، خاک تبریز را برداشته و به صورت مالدیدم. «تبریز یوخلاریما پرچین لشمیش بیر جنت باغی دیر» (تبریز بهشتی است که بر نیستی‌های من پرچین کشیده است). با این حسرت زیسته‌ام.

در اینجا فخرالدین اشک از چشمانش سرازیر می‌شود. می‌بینم که این استاد نقاشی با یادآوری خاطرات نخستین دیدار، سراپا شوق می‌گردد و می‌گرید. اشکی از شوق و حسرت از چشمانش جاری می‌شود. هنرمند، روح هنرمندانه‌ای دارد، به ویژه آنکه نقاش باشد و مینیاتور است و آن هم از نوع حیدر بابایی.

فخرالدین ادامه می‌دهد:

همیشه میهمانانی از ایران داشته‌ام. من آنها را دوست دارم و روزگار خوشی با آنها می‌گذرانم. من علاقه زیادی به ادبیات کلاسیک آذربایجان دارم. از کتاب دده قورقور به بعد، مینیاتورهایی برای این آثار خلق کرده‌ام. برای کتاب دده قورقور ۲۴ تابلو آفریده‌ام که در انستیتو نسخ خطی آکادمی آذربایجان نگهداری می‌شود. برای آثار خاقانی شیروانی، قطران تبریز مینیاتورهای زیادی کشیده‌ام و چند مینیاتور هم برای منظومه «مهر و مشتری» صائب تبریزی آفریده‌ام. هم چنین مینیاتورهای زیادی برای آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده، برای شهر مراغه، نصیرالدین طوسی (که در موزه نظامی است)، ملاپناه واقف، محمد فضولی، عمادالدین نسیمی، و حیدر بابای شهریار.»

استاد به غیر از نقاشی، کارهای هنری دیگری هم انجام می‌دهید؟

بله. من در قالی‌بافی نیز مهارت دارم و در مکتب نقاشی، هم فن قالی‌بافی و هم کومپوزیا تدریس می‌کنم. من که از سال ۱۹۷۴ در بنیاد نسخ خطی (ال یازمالار فوندو) مشغول کار است. این بنیاد از سال ۱۹۸۶ به سطح انستیتو ارتقاء یافته است. من در انستیتو هنرهای زیبا نیز تدریس می‌کنم. در سال‌های اخیر، بیش از ۳۰ اثر درباره زنان، خلق کرده‌ام که درباره شخصیت‌های علمی، هنری، زنان سیاستمدار و نیز زنان عادی آذربایجان است.

فخرالدین علیزاده در پایات می‌گوید: هنگامی که می‌خواسته اسلایدهای مینیاتورهای منظومه حیدر بابا را برای تکثیر به ایران بیاورد با موانع زیادی از سوی دولت شوروی مواجه گردیده بود.*

* - مصاحبه فوق در نوامبر سال ۲۰۰۷ توسط دکتر بهرام امیر احمدیان از اعضای هیئت علمی فصلنامه تحقیقی، مطالعاتی آران ترتیب یافته بود.